

تدوین نموداری

مبانی الاصول

مباحث الفاظ

(جلد اول)

مسلم قلی پور کیلانی

سر شناسه: قلی پور کیلانی، مسلم، ۱۲۴۲ - ۱۲۹۴.

عنوان قرار دادی: کفایہ الاصول، شرح

عنوان: تدوین نموناری کفایہ الاصول، جلد اول.

تکرار نام پدید آور: مسلم قلی پور کیلانی

مشخصات نشر: قم: عالمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱ ج: نموداری.

بها: ... ریال

ISBN: 978-600-6352-80-2

وضع فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابخانه

یادداشت: شرح حاضر شرحی بن کفایہ الاصول آخوند خراسانی می باشد.

موضوع: آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۲۵۵ - ۱۳۲۹. کفایہ الاصول - اقتباس ها.

موضوع: اصول فقه شیعه.

شناسه افزوده: آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۲۵۵ - ۱۳۲۹. کفایہ الاصول

رده بندی کنگره: ۱۱۰.۵۰۳۱.۰۲.۵۷۰/۸.۱۵۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷.۳۱۲

شماره مدرک: ۴۱۲۲۶۷۷

تدوین نموداری کفایہ الاصول (جلد اول)

مؤلف: مسلم قلی پور کیلانی

قطع: وزیری ۳۵۲. نسخه

نوبت چاپ: هفتم (اول ناشر) ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ گلیها

ناشر: عالمه

«کلیه حقوق محفوظ و مخصوص کتابفروشی حسینی می باشد»

شابک: 978-600-6352-80-2

مرکز بخش: کتابفروشی حسینی

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف بالا، پلاک ۸۸

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۲۷۴۰۵، فکس: ۰۲۵-۳۷۸۳۷۶۹۶، همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۷۵۳۶

قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان

۱۱	مقدمه
♦ امور سیزده گانه مقدماتی ♦	
۲۲	امر اول
۲۲	موضوع علم
۲۹	امر دوم
۲۹	وضع
۳۱	امر سوم
۳۱	نیاز مجاز به وضع
۳۲	امر چهارم
۳۲	انواع اطلاق لفظ
۳۳	امر پنجم
۳۳	ذات معنا موضوع له لفظ است
۳۵	امر ششم
۳۵	وضع مرکبات
۳۵	امر هفتم
۳۵	علائم حقیقت و مجاز
۳۷	امر هشتم
۳۷	حالات پنجگانه لفظ
۳۸	امر نهم
۳۸	حقیقت شرعیّه
۴۱	امر دهم

۴۱		صحیح و اعمّ
۵۶		امر یازدهم
۵۶		اشتراک لفظی
۵۸		امر دوازدهم
۵۸		استعمال لفظ در بیش از یک معنا
۶۰		امر سیزدهم
۶۰		مشتق

♦ مقصد اول ♦

۸۱		اوامر
۸۴		فصل اوّل
۸۴		مادّة امر
۹۲		فصل دوم
۹۲		صیغه امر
۱۱۴		فصل سوم
۱۱۴		اجزاء
۱۲۷		فصل چهارم
۱۲۷		مقدّمه واجب
۱۴۵		تنبيه: ملاک وجوب فعلی مقدّمات وجودیه
۱۷۶		فصل پنجم
۱۷۶		بحث ضدّ
۱۸۵		فصل ششم
۱۸۵		صحیح نبودن صدور امر از آمر عالم به انتفاء شرط
۱۸۶		فصل هفتم
۱۸۶		متعلّق اوامر و نواهی
۱۸۸		فصل هشتم
۱۸۸		نسخ وجوب
۱۸۹		فصل نهم

۱۸۹		حقیقت واجب تخیری
۱۹۲		فصل دهم
۱۹۲		حقیقت وجوب کفائی
۱۹۳		فصل یازدهم
۱۹۳		واجب موسع و مضیق
۱۹۶		فصل دوازدهم
۱۹۶		دلالت امر به
۱۹۷		فصل سیزدهم
۱۹۷		امر بعد از امر

◆ مقصد دوم ◆

۱۹۹		نواهی
۲۰۲		فصل اوّل
۲۰۲		ماده نهی و صیغه آن
۲۰۴		فصل دوم
۲۰۴		اجتماع امر و نهی
۲۲۳		تنبيه نخست: ملاک اضطراری که رافع حرمت است
۲۲۸		تنبيه دوم: مسأله اجتماع از مصادیق باب تراحم است
۲۳۰		تنبيه سوم: الحاق تعدّد اضافات به تعدّد عناوین
۲۳۲		فصل سوم
۲۳۲		نهی از شیء و اقتضای فساد
۲۳۶		تنبيه: شرعی، عقلی و یا اعتباری بودن مفاهیم صحت و فساد

◆ مقصد سوم ◆

۲۴۷		مفاهیم
۲۴۹		فصل اوّل
۲۴۹		مفهوم شرط
۲۶۱		فصل دوم
۲۶۱		مفهوم وصف

۲۶۴	فصل سوم
۲۶۴	مفهوم غایت
۲۶۶	فصل چهارم
۲۶۶	مفهوم استثناء
۲۶۸	فصل پنجم
۲۶۸	مفهوم لقب
	♦ مقصد چهارم ♦
۲۷۵	عام و خاص
۲۷۶	فصل نخست
۲۷۶	تعریف و اقسام عام
۲۷۸	فصل دوم
۲۷۸	وضع الفاظ عموم
۲۷۹	فصل سوم
۲۷۹	الفاظ عموم
۲۸۱	فصل چهارم
۲۸۱	حجیت عام مخصّص در افراد باقیمانده
۲۸۴	فصل پنجم
۲۸۴	سرایت اجمال مخصّص به عام
۲۹۲	فصل ششم
۲۹۲	تمسّک به عام قبل از فحص از مخصّص
۲۹۵	فصل هفتم
۲۹۵	محدوده شمول خطابات شفاهی
۲۹۷	فصل هشتم
۲۹۷	ثمره تعمیم خطاب شفاهی
۲۹۸	فصل نهم
۲۹۸	تعقب عام به ضمیری که به بعضی از افراد عام برمی گردد
۳۰۰	فصل دهم

۳۰۰	تخصیص عام به مفهوم مخالف
۳۰۲	فصل یازدهم
۳۰۲	استثنای عقیب جمل متعاطفه
۳۰۳	فصل دوازدهم
۳۰۳	تخصیص عام قرآن با خبر واحد معتبر
۳۰۵	فصل سیزدهم
۳۰۵	تعارض عام خاص

♦ مقصد پنجم ♦

۳۱۳	مطلق و مقید
۳۱۴	فصل اوّل
۳۱۴	تعریف مطلق
۳۱۵	فصل دوم
۳۱۵	الفاظ مطلق
۳۱۹	فصل سوم
۳۱۹	مقدمات حکمت
۳۲۲	تنبيه: حکم مطلق ذوالجهات
۳۲۳	فصل چهارم
۳۲۳	حمل مطلق بر مقید
۳۲۴	تنبيه: تقيد در احکام وضعی
۳۲۵	فصل پنجم
۳۲۵	محمل و مبین
۳۲۸	اهمّ آراء و نکات موجود در جلد اوّل کفایة الاصول
۳۴۷	فهرست اصطلاحات

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين.

از شریف ترین و نیز اصیل ترین علوم در حوزه علوم اسلامی، علم اصول فقه است، زیرا کلید استخراج تمامی احکام معاش، معاد عباد در تمامی زوایای حیات فردی و اجتماعی انسان از منابع آن، در دست توانای این علم است. به برکت و پشت گرمی این علم مقتدر است که افراد شایسته‌ای به منصب قدسی فقاہت و اجتهاد نائل می‌شوند و با شجاعت، حلیه در حرمت افعال بشری و اشیاء مورد ابتلای انسانها را تعیین می‌کنند و با قلم فقاہت مسیر هدایت و گمراهی و بهشت و جهنم را بر صفحه در هم آشفته روزگار ترسیم می‌کنند. بی این علم، راه‌مائی هیچ عالم دینی قابل اعتماد نخواهد بود و بلکه اساساً حقیقت دین، مسخ و از بالندگی به حمود و تحجر سقوط می‌کند. در این صورت است که اسلام دینی خواهد شد، بسیار بشری و صوری، وامانده از ترقی و کمال که حتی از اداره بسیط ترین و عقب مانده ترین جوامع بشری عاجز خواهد ماند. اگر می‌بینیم امروزه فقه پویا، سرافراز و افتخار آفرین شیعی، جوابگوی تمامی نیازهای تکلیفی انسانها در تمدن پیشرفته قرن بیستم است، این به برکت وجود علم اصول است.

فقه - که برنامه زندگی بشریت از ناحیه آخرین دین خداوند است - و اصول فقه، دو علم به هم وابسته اند. رابطه آندو مانند رابطه فلسفه و منطق است، یعنی علم اصول مقدمه

علم فقه و پایه‌ها و ریشه‌های آن علم است، بطوری که علم فقه بدون آن، استقامتی نخواهد داشت. این علم از علوم ابتکاری مسلمانان است که جرقة تشکیل آن برای نخستین بار توسط امام باقر العلوم (علیه السلام) زده شد. این علم همانطور که از تعریف مرحوم آخوند خراسانی (رحمته الله) بدست می‌آید، یک علم دستوری و کاربردی است، یعنی علم دستور استنباط احکام است که زوش صحیح استنباط احکام را از منابع فقه به ما می‌آموزد، از اینرو این علم یک فن و صنعت است که پیرامون «باید»ها سخن می‌گوید و نه علم ماضی که پیرامون «است»ها به بحث می‌پردازد.

همانطور که اشاره شد، جرقة تکوین این علم در قالب طرح بعضی از مباحث اوامر و نواهی، عام و خاص و نسخ و تعارض اخبار و اصول عملیه و غیره، برای نخستین بار توسط امام پنجم شیعیان برای شاگردان ایشان، یعنی حدود سالهای صد هجری، زده شد. سپس امام صادق (علیه السلام) از بعد از سال ۱۴۰ هجری، مسائل افزون تری از این علم را به شاگردان خودشان تعلیم فرمودند. به نوشته اندیشمند بزرگ و محقق والا مقام، سید حسن صدر اعلی الله مقامه در کتاب نفس النایس الشیعة لعلوم الاسلام، نخستین کسی که برخی از مباحث علم اصول فقه را بطور جداگانه به نگارش در آورد، هشام بن حکم شاگرد امام صادق (علیه السلام) بود. وی کتاب «الائمه و مباحثها» را در مباحث الفاظ که از مهمترین مباحث علم اصول فقه است، نوشت. پس از وی، یونس بن عبدالرحمن غلام آزاد شده خاندان یقطین و شاگرد امام کاظم (علیه السلام)، کتاب «اصول الحدیث» را در بحث تعادل و تراجیح نوشت. سلسله سند کتاب‌های اصولی مبسوط، همچنین «اصول آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم)» نوشته سید هاشم بن زین العابدین خوانساری و «الفصول المهمة فی اصول الائمة (علیهم السلام)» نوشته صاحب وسائل و «الاصول الاصلیه» نوشته سید عبداللّه شبری حسینی که بعدها وارد بازار علم اصول فقه شد، تماماً به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بر می‌گردد.

با توجه به این امر، نظر جلال الدین سیوطی مبنی بر وجود اجماع بر اینکه نخستین بار امام محمد بن ادریس شافعی در علم اصول کتاب نوشت، نادرست است.

نخستین عالم شیعی که مبسوط ترین کتاب اصولی را تا عصر خویش به رشته تحریر

در آورد و آراء او تا قرن‌ها مورد بحث محافل علمی اصولی بود، مرحوم سید مرتضی علم الهدی بود که کتاب «الذریعة الی اصول الشریعة» را در این علم نوشت. مرحوم بحر العلوم در فوائد رجالیه اش آن را اولین کتاب اصولی شیعه معرفی می‌کند، چرا که نوشته‌های قبل از او در حد رساله‌های اصولی بوده‌اند. سید مرتضی کتابهای اصولی دیگری نیز دارد، همچون «مسائل الخلاف فی الاصول» که ناتمام ماند، رساله‌ای در طریق استدلال و کتاب «المنع من العمل باخبار الآحاد». پس از وی شاگرد ایشان شیخ طوسی بنیانگذاشت حوزه عظیم و مقدس نجف که خداوند آن را از جمیع ناگواریها مصون بدارد، کتاب مهم اصولی «عده الاصول» را نوشت که مرحوم بحر العلوم در حق آن فرمود: و هو احسن کتاب صکت فی الاصول. و بدین ترتیب در اواخر قرن چهارم، علم مستقلى به نام علم اصول فقه وارد حوزه‌های علوم اسلامی شد. عظمت شخصیت و مقام علمی شیخ طوسی و کتابهای او به گونه‌ای بود که موجب شد تا بخاطر حسن ظن بالای علمای امامیه به وی، سیر اجتهاد و تکمیل آن تا حدود یک قرن متوقف گردد و علمای آن عصر به مقلدین شیخ طوسی لقب گیرند، تا اینکه فقیه فحل او حد ابن ادریس حلی با نبوغ و قدرت فوق العاده علمی و اجتهادیش باب عظیم اجتهاد را برای دیگر بارگشود و با نگارش کتاب «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» فقه را وارد مرحله جدیدی از تکامل و صحنه‌های تضارب آراء نمود. این فقیه اصولی بسیاری از مباحث و قواعد اصولی را در تحریر مبانی فقهی اعمال نمود، بطوری که استفاده از قواعد اصولی در مباحث فقهی رواج زیادی پیدا کرد. از تربیت یافته‌های این جو در عصر بعد، مفسر حلی صاحب «نهج الوصول لی معرفة الاصول» و «المعارض» بود. پس از او شاگرد و پسر خواهر وی، علامه حلی با صلابت هر چه بیشتر راه او را ادامه داد و بازار علم اصول را رونق بسی سابقه‌ای بخشید. مهمترین کتاب اصولی وی «نهج الوصول الی علم الاصول» بود که شروح بسیاری را از فحول علمای امامیه متوجه خود ساخت. البته کتاب مختصر حاجبی نوشته ابن حاجب در قرن هفتم، موقعیت خوبی در میان علمای شیعه پیدا کرد. بهر حال تا حدود قرن دهم، کتاب‌های اصولی علامه حلی محور مباحث و دروس اصولی حوزه‌های شیعه بود. این روال همچنان ادامه داشت، تا اینکه شهید ثانی کتاب ارزشمند

«تمهید القواعد» را در تحریر قواعد استنباط به حوزه‌های اصولی شیعه عرضه داشت و این به نوبه خود حرکت نوی در تشدید تکامل این علم شریف بود. شخصیت دیگری که کتاب و آراء اصولی او در حوزه‌های اصولی شیعه تا عصر حاضر شهرت زیادی پیدا کرد، ابومنصور جمال الدین حسن بن زین الدین (متوفی ۱۰۱۱ هـ) فرزند برومند شهید ثانی، یعنی صاحب معلم بود. او عالی‌ترین کتاب اصولی عصر خود را که تاکنون لاینقطع از ارکان کتب درسی حوزه‌های علمیه شیعه بوده است، یعنی کتاب «معالم الاصول» را نوشت. ناخ محمدتقی صاحب هدایة المسترشدين محقق کم نظیر اصولی، منزلت آن را به خیر استه و مهمترین تعلیقه را بر آن به نگارش در آورد.

در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری اکثر بحث‌های اصولی پیرامون «معالم الاصول» بود و کتاب اصولی مهدی در این دو قرن نگارش نیافت و شاید دلیل آن شیوع گرایش به اخبار و رواج سلطه اخباری‌ها بود. در نیمه دوم و حدود اواخر قرن ۱۲ هجری بود که علامه محقق وحید بهبهانی آن اصولی مقتدری که اجتهاد و فقاها در قرون بعدی مرهون تلاشهای مجدانه و مبارزه خستگی ناپذیر او علیه اخباری‌گری بود، قد علم کرد و با تدریس و تربیت شاگردان نابغه‌ای، همچون اصولی چیره دست، نابغه عصور و فرزانه دهور محقق رشتی معروف به میرزای قمی، علامه سید مهدی بحر العلوم و فقیه فحل شیخ جعفر کاشف الغطاء، طوفانی در حوزه‌های اصولی شعله به پا کرد. محقق رشتی کتاب ارزشمند و مبسوط اصولی، یعنی قوانین الاصول را که تا عصر حاضر از مهمترین کتب درسی و تحقیقی حوزه‌های علوم اسلامی بود، نوشت. کتاب وی هم اکنون نیز از اشتهار آرای اصولی و مطرح در دروس خارج اصول در حوزه‌های علمیه است. پس از او مهمترین شخصیت اصولی در اواخر قرن ۱۳ هجری شیخ اعظم استاد الفقهاء و المجتهدین حاج شیخ مرتضی انصاری (رحمته الله) بود. وی پس از فوت صاحب جواهر در سال ۱۲۶۶ هجری مرجعیت شیعه را پذیرفت. کتاب گران سنگ وی، یعنی «فرائد الاصول» معروف به «رسائل»، هم اکنون نیز محور آراء صاحب نامان اصولی و سرمشق دروس علمیه است. آراء او هم اکنون نیز محور آراء صاحب نامان اصولی و سرمشق دروس خارج اصول در حوزه‌های علوم اسلامی است. او نابغه‌ای بود که حتی فحول علم اصول

و پهلوانان میادین فقاہت نیز نتوانسته‌اند به خوبی قیل سر به فلک کشیده آراء اصولی و افکار فقهی او را به تصرّف خویش در آورند. او صاحب مکتبی نو در اصول و فقه بود، بطوری که به جرأت می‌توان گفت: موقعیت او در میان مکاتب اصولی و مشارب فقهی، همان منزلت پیامبر اسلام ﷺ در میان ادیان الهی است، یعنی او خاتم الفقهاء و الاصولیین است، همانگونه که حضرت رسول ﷺ ختم المرسلین است و فرزندگان اصولی و فقهی بعد از او، همگی ائمه تفسیر و شرح مبانی و مکتب اویند و علیّ این ائمه، آخوند خراسانی است که الحق و الانصاف برای مکتب او خوب علیّ ای بود. طوبی له طوبی له طوبی له طوبی له.

خدمت لا توصف او را به فقاہت شیعی و فقه امامیه، تنها خدایش می‌تواند پاداش دهد و پاداش او خود پاداش و نه جنت او که برای همچو اوئی بسی بی مقدار است. اللهم ارزقنی فهم آرائه و کتب سبانه و عترته الطّاهرین. او در تقوا و ورع چنان بود که گویند، تالی تلو معصومین (علیهم السلام) بود. او آنچنان بسان خورشید عالمتاب بر میادین و صحاری اصول و ابعاد مکاسب تأیید نه هر که پس از او آمد، تألیفی مستقل و نو نیاورد، بلکه هر چه آوردند تحریر و تلخیص اصول او بود، یعنی عصور پس از وی عصور تحریر، تلخیص و تقریر نویسی شد. مهمترین اثری ترین ملخص این عرصه، علیّ شارحین مکتب او، فرزانه نامی ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب اثر ماندگار «کفایة الاصول» عمود خیام دروس خارج اصول در حوزه‌های علوم اسلامی بود. او آیه الله بالاستحقاق بود و هم او بود که در صحنه خوف و وحشت سیاست آن عصر، فتوای مشروطیت داد و سهم به سزائی در برقراری رژیم مشروطه و حق بزرگی را بر آزادی خواهان این مرز و بوم و ملت قهرمان، مجاهد و ذی شوکت ایران عزیز اسلامی از آن خود ساخت. الهی نام او تا هر وقت که گردش افلاک هست، پاینده باد.

فحول و فرزندگان پس از او همچون مرحوم نائینی، آقا ضیاء، محقق اصفهانی و شمس طالعه عصر حاضر، اگر چه، اگر هر کدام، هزار سال و یا کمتر از آن زودتر بر این عالم فرود می‌آمدند، پیامبر اولوالعزمی در مکاتب اصولی بودند، اما مشیت بر این بود تا در این عصر پا به هستی گذارند و محرّرين مبانی شیخ اعظم و مفسّرین تلخیص این

مکتب، یعنی آخوند خراسانی باشند و لعل این خود بخش ناچیزی از پاداش عظیم آن شیخ اعظم و هدایای بی شمار خدای او به اوست. این نوشتار بر اساس دسته بندی و بیان سلیس مطالب با ارزش کفایة الاصول نگارش یافته است. در این مجموعه بیش از نود و پنج درصد مطالب کفایة الاصول به نحو واضح و روشن آورده شده است. امید است خداوند بزرگ این قلیل را از این قلیل به کثیری از خود قبول کند و پاداش عنایت فرماید.

والسلام علیکم

قم دی ماه ۱۳۷۶ برابر با رمضان المبارک ۱۴۱۸ هـ.ق.

مسلم قلی پور گیلانی

www.ketab.ir